

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۰۵

نوع مقاله: مفهومی

نقد اسلکتیویستی فعالیت‌های اینترنتی

نوشته

سندوس محمدی نوسودی *

چکیده

در سال‌های اخیر، پتانسیل اینترنت و رسانه‌های اجتماعی، به عنوان عامل تغییر اجتماعی و تحول‌های سیاسی، به طور گسترده‌ای مورد بحث قرار گرفته است. دیدگاه‌های اولیه، نسبت به نقش اینترنت در فعالیت و جنبش‌های اجتماعی، خوش‌بینانه بودند، اما در تقابل با این دیدگاه‌های خوش‌بینانه، دیدگاه‌های بدبینانه هم شکل گرفته‌اند که فعالیت دیجیتال را نقد کرده‌اند. یکی از نقدهای اصلی به فعالیت دیجیتال تحت عنوان اسلکتیویسم مطرح می‌شود، که فعالیت‌های دیجیتال را به دلایلی نظیر کم‌کاری، کم‌هزینه بودن، عدم ارتباط با دنیای آفلاین، تعهد پایین، ارتباط اندک اعضا با یکدیگر، تأثیر کم و یا عدم تأثیر رد می‌کند. در عین حال، در تقابل با این نقدها یک سری تحقیقات تجربی شکل گرفته‌اند که از تأثیر فعالیت بر خط بر دنیای آفلاین سخن گفته‌اند. با توجه به پیچیدگی این مسئله، نیاز است که تحقیقات آینده به جای موضع گرفتن در مقابل اسلکتیویسم، به طور جدی بر توسعه روش‌های نوآورانه و بین‌رشته‌ای برای ارزیابی آن در زندگی سیاسی معاصر متمرکز شوند.

کلیدواژه: اینترنت، فعالیت، خوش‌بینی دیجیتال، بدبینی دیجیتال، اسلکتیویسم.

مقدمه

ارتباطات از طریق اینترنت و رسانه‌های اجتماعی نقش مهمی در اکثر جنبش‌های سیاسی و اجتماعی پیدا کرده است (گوهری مقدم و دهقانی محمدآبادی، ۱۳۹۰). به همین دلیل پژوهش‌های گسترده‌ای، پیرامون بررسی نقش این ابزارها در تعامل مدنی و مشارکت سیاسی انجام شده است. طبق دیدگاه‌هایی که به بررسی نقش اینترنت در جنبش‌های جدید پرداخته‌اند، اینترنت نه تنها فعالیت‌های آفلاین سنتی را سرعت بخشیده، به فعالیت‌های برخط جدیدی نیز شکل داده است؛ بنابراین، بین ۱. کنش‌های مبتنی بر اینترنت و ۲. کنش‌های حمایت‌شده توسط اینترنت، تمایز وجود دارد. اولی، فقط به خاطر اینترنت وجود دارد و نکته برجسته آن "اعمال خلاق اینترنت در خلق و اصلاح ابزارهای عمل جنبش‌های اجتماعی" است. دومی، اشاره به ابزارهای سنتی جنبش‌های اجتماعی دارد که با استفاده از اینترنت، آسان‌تر، سازمان‌یافته‌تر و هماهنگ‌تر شده‌اند (Van Laer & Van Aelst, 2010: 1148). در سال‌های اخیر، فعالیت‌های مبتنی بر اینترنت، نسبت به شیوه‌های حمایت‌شده توسط اینترنت بیشتر شده‌اند، آن‌ها از ابزارهایی تشکیل شده‌اند که خودشان را، با قدرت اثبات کرده‌اند (Cammaerts, 2015: 1027-1034).

همین مسئله، باعث گسترش دیدگاه‌های خوش‌بینانه، نسبت به نقش اینترنت در جنبش‌های اجتماعی شده است. خوش‌بینی دیجیتال، امیدوار است که ماهیت قدرت را در شبکه‌های دیجیتال و نیز. ماهیت قدرت را در دنیای واقعی تغییر دهد؛ چراکه شبکه‌های دیجیتال بیشتر از هر زمانی با زندگی ما آمیخته شده‌اند. اصل بعدی خوش‌بینی دیجیتال، به این اشاره دارد که کاربران ارزش و معنای فناوری را با چگونگی استفاده از آن می‌سازند، برای مثال استفاده از یک بستر سرگرمی مانند یوتیوب برای انتقال محتوای سیاسی جایگزین. به این ترتیب، دیدگاه‌های خوش‌بینانه، آینده‌ای بهتر و عادلانه‌تر را ارائه می‌دهند و به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به این آینده، کاربر عادی را قادر به ایجاد معنا می‌کند (Joyce, 2010: 12).

اما دیری نپایید که در تقابل با این دیدگاه‌های خوش‌بینانه، دیدگاه‌های بدبینانه‌تری رشد کردند که نقش اینترنت را، در جنبش‌های اخیر زیر سؤال می‌بردند. این صداها شکاک معتقدند، تأثیر اینترنت بر دموکراسی چندان هم خوش‌خیم نیست (Christensen, 2012: 1-23). یکی از نقدهای اصلی که کنش‌های مستقر در فضای مجازی را هدف قرار داده است به عنوان کلیکتیویسم (clicktivism) و یا اسلکتیویسم (Slacktivism) شناخته می‌شود. مفاهیم در هم تنیده اسلکتیویسم / کلیکتیویسم، یک پاسخ انتقادی به روایت‌های اولیه خوش‌بینانه، در مورد توانایی اینترنت و رسانه‌های اجتماعی، در ارتقا و تشدید مشارکت دموکراتیک و مسلح کردن شهروندان با ابزارهای مؤثرتر برای بسیج جمعی است (Mazak & Stetka, 2015: 4).

این مطالعه در پی این است تا دیدگاه‌هایی که فعالیت در اینترنت را، به عنوان اسلکتیویسم رد می‌کنند، بررسی کرده و سپس نقدهای وارد شده به این دیدگاه‌های بدبینانه را نیز بیان کند؛ تا از

این طریق به ارتقا دانش در زمینه استفاده از اینترنت و فناوری‌های نوین، در تغییرهای سیاسی و اجتماعی کمک کند. در این مقاله، ابتدا با بررسی چند تعریف معاصر از اسلکتیویسم شروع می‌کنیم و سپس ویژگی‌های آن را ارائه می‌دهیم. در ادامه جنبه‌های منفی و مثبت اسلکتیویسم مورد بحث قرار می‌گیرند و در نهایت پیامدهای آن را برای آینده تعامل سیاسی بررسی می‌کنیم.

تعریف اسلکتیویسم

فرد کلارک و دوایت اوزارد، (Fred Clark & Dwight Ozard) نخستین کسانی بودند که در سال ۱۹۹۵، اصطلاح اسلکتیویسم را به معنایی مثبت، برای اشاره به فعالیت‌های از پایین به بالای جوانان جهت تأثیرگذاری بر جامعه در مقیاس کوچک شخصی به کار بردند (Christensen, 2011). امروزه این واژه، بار معنایی مثبت خود را از دست داده است و به معنای منفی به کار می‌رود. اصطلاح اسلکتیویسم از slacker به معنای سست‌کننده و activism به معنای کنشگری تشکیل شده؛ بنابراین اسلکتیویسم به معنای سست‌کننده کنشگری است. اسلکتیویسم فعالیتی تعریف شده که با ریسک پایین و کم‌هزینه از طریق رسانه‌های اجتماعی و هدف آن افزایش آگاهی، ایجاد تغییرها و یا دادن رضایت فردی به کسی است که در فعالیت شرکت می‌کند. (Rotman et al, 2011: 3).

کریستوفر سون و دیگران (Kristofferson & et.al., 2014) اسلکتیویسم را انجام یک نمایش به‌نسبت بی‌هزینه و پشتیبانی از یک هدف اجتماعی تعریف می‌کنند که به تلاش جدی برای تغییر معنی‌دار تمایل ندارد.

فرهنگ لغت آکسفورد (Oxford English Dictionary) اسلکتیویسم را اقدام‌های انجام‌شده از طریق اینترنت، برای حمایت از یک هدف اجتماعی یا سیاسی تعریف می‌کند، که به نظر می‌رسد به درگیری و زمان کمتری نیاز دارد.

نمونه‌هایی از اسلکتیویسم، مانند کلیک کردن روی لایک، برای نشان دادن حمایت از یک گروه متمرکز در فیس‌بوک، امضای تقاضای برخط، ارسال پست‌ها و یا فیلم‌ها در مورد یک مسئله و یا تغییر تصویر پروفایل به رنگ سبز برای حمایت از انتخابات جمعیتی در عراق هستند (Lee & Hsieh, 2013: 1). فعالیت‌های اسلکتیویستی، تنها به محیط اینترنت محدود نیستند و در دنیای واقعی هم می‌توان نمونه‌های متعددی را از آن‌ها مشاهده کرد، برای نمونه پوشیدن دستبند صورتی برای نشان دادن حمایت از یک جریان خاص، خرید تکه‌ای جواهر برای کمک به یک خیریه، پوشیدن شال به رنگ بنفش برای نشان دادن حمایت از یک کاندیدای انتخاباتی. با وجود این، انتقاد اسلکتیویستی معمولاً مشارکت در اینترنت را هدف قرار داده است، زیرا این رسانه شهروندان را قادر می‌سازد تا در اشکال به‌نسبت آسان مشارکت سیاسی حضور یابند (Christensen, 2011: 1-10).

در گفتمان عامه، غالباً واژه‌های اسلکتیویسم و کلیکتیویسم یکسان در نظر گرفته می‌شوند و به جای یکدیگر به کار می‌روند، با وجود این، تفاوت‌هایی بین این دو واژه وجود دارد. کارپف (David A. Karpf, 2010) از اصطلاح کلیکتیویسم به جای اسلکتیویسم استفاده می‌کند. کلیکتیویسم به فعالیت‌های اینترنتی محدود است، در حالی که، اسلکتیویسم بیرون از اینترنت را هم در بر می‌گیرد، مانند پوشیدن دستبند برای یک هدف خاص. در این پژوهش از اصطلاح اسلکتیویسم به جای کلیکتیویسم استفاده می‌شود، زیرا در ارتباطات سیاسی اصطلاح رایج‌تری است (Christensen, 2012: 3).

نقد اسلکتیویستی فعالیت‌های اینترنتی

ادبیات مربوط به اصطلاح اسلکتیویسم از سه دسته اطلاعات به دست آمده است که شامل تحقیقات آکادمیک (Halupka, 2014; Karpf, 2010; Rotman & et. al., 2011)، نوشته‌های روزنامه‌نگاران (Gladwell, 2010; Morozov, 2009) و فعالان (White, 2010) هستند.

موزوروف (Evgeny Morozov, 2009) اسلکتیویسم را "نوع ایده‌آل فعالیت برای یک نسل تنبل" می‌نامد. این اقدام‌ها، تنها باعث می‌شوند که مردم در مورد خودشان احساس خوبی داشته باشند. در حالی که، تأثیر اجتماعی عمل در حد صفر است (Morozov, 2009). این نسل از فعالان، این توهم را دارند که گشت‌وگذار در وب می‌تواند جهان را تغییر دهد، بنابراین کلیک کردن را کنشگری در نظر می‌گیرند (White, 2010). اسلکتیویست‌ها مایل نیستند که دست‌های خود را کثیف کنند و تلاش‌های لازم را برای دستیابی به اهداف انجام دهند (Christensen, 2011). افراد در فضای برخط، پیوسته از عدالت اجتماعی، حقوق زنان، حقوق اقلیت‌ها، حفاظت از محیط زیست و ... صحبت می‌کنند و به‌وفور ویدئوها، هشتگ‌ها، رایانه‌ها و پست‌های مختلفی را در فضای مجازی به اشتراک می‌گذارند، اما حاضر نیستند وقت لازم را برای عمل بگذارند. آن‌ها با پنهان شدن در پشت صفحه‌رایانه‌ها، خود را کنشگر می‌دانند.

یک نگرانی اصلی، در زمینه فعالیت اسلکتیویستی این است که مشارکت‌کنندگان سیاسی را از اشکال مؤثرتر فعالیت که به طور سنتی صورت می‌گرفتند، دور می‌کند (White, 2010; Morozov, 2009). گزینه‌های کم‌هزینه اسلکتیویسم، باعث می‌شوند کسانی که تا پیش از این با تظاهرات، اعلامیه و تحصن دست به مخالفت با دولت می‌زدند، اکنون با عضویت در یک گروه فیس‌بوکی و یا لایک کردن یک صفحه این احساس به آن‌ها دست دهد که کار مؤثری در راستای تغییر جهان انجام داده‌اند؛ بنابراین، اشکال کم‌تحرك‌تر فعالیت را، که امنیت بیشتری دارند، بجای اشکال متعارف و پذیرفته‌شده فعالیت، مانند تظاهرات، مقابله با پلیس و تحصن به کار گرفته می‌شوند (Morozov, 2009). این منتقدان ادعا کرده‌اند که بین اقدام‌های مردم در جهان برخط و جهان آفلاین شکاف عمیقی وجود دارد و این شکل از مشارکت حتی ممکن است منجر به افزایش انفعال در رابطه با سیاست آفلاین شود. اسلکتیویست‌ها

لازم نیست روزهای تعطیل را صرف انجام کارهای سخت برای ساختن خانه و یا اختصاص بخشی از بودجه تفریحی خود به اهداف اجتماعی بکنند. آن‌ها حتی مجبور نیستند از پشت صفحه دستگاه‌های الکترونیکی خود بلند شوند (Seay, 2014)، با وجود این خود را کنشگر می‌دانند و این احساس را دارند که با یک کلیک ساده توانسته‌اند جهان را تغییر دهند.

اسلکتیویسم، می‌تواند به کیفیت زندگی مدنی و سیاسی آسیب برساند، زیرا شهروندان را از انجام کمک‌های معنی‌دار و مهم‌تر دور می‌کند (Skoric, 2012: 77). برای نمونه می‌توان به فعالیت کمپین‌های مجازی اشاره کرد. یکی از راه‌هایی که کمپین‌های مجازی از فعالیت در دنیای واقعی می‌کاهند، این است که معمولاً در این کمپین‌ها از افراد خواسته می‌شود چند سنت یا چند دلار را برای یک هدف اجتماعی اختصاص دهند. اهدای پول، باعث می‌شود که آن‌ها احساس کنند اقدام مهمی در راستای جنبش اجتماعی انجام داده‌اند و همین، تلاش‌های فرد را برای درگیر شدن در فعالیت‌های مؤثرتر واقعی تضعیف می‌کند (Morozov, 2009). به همین دلیل ترس اصلی منتقدان اسلکتیویسم این است که موج‌های حاصل از مشارکت با حداقل تلاش، هزینه‌های بلندمدتی را به حوزه عمومی تحمیل کنند (Karpf, 2010).

در این راستا میشل وایت (Micah White, 2010) با طرح این نکته که "فعالیت‌های دیجیتال خطری برای چپ است" مدعی است که کلیک‌گرایی، در واقع به جنبش‌های سیاسی واقعی آسیب می‌رساند و هواداران بالقوه را با اتکا به روش‌های برخط دلگرم می‌کند. شیوه‌های بازاریابی برخط باعث شیوع بدبینی سیاسی شده‌اند و توجه را از جنبش‌های واقعاً رادیکال دور کرده‌اند. انفعال سیاسی، نتیجه نهایی جایگزین کردن نقد برجسته سیاسی با منطق تبلیغات است (White, 2010). علاوه بر این اسلکتیویسم، نه تنها مشارکت در تغییر واقعی را محدود می‌کند، ممکن است به اقدام‌های آینده صدمه بزند؛ چون میل مردم را برای عمل ارضا می‌کند، در حالی که واقعاً تأثیری ندارد (Lee & Hsieh, 2013: 2). به همین دلیل وایت (2010) استدلال می‌کند که «کلیکتیویست‌ها به هر جنبش واقعی که لمس می‌کنند، به آن صدمه می‌زنند.» اگر پشتیبانی نمایشی، مانع از پشتیبانی معنادار شود، می‌تواند به طور جدی به اهداف راهبردی جنبش‌ها آسیب برساند (Jones, 2015). در تقابل با این دیدگاه، عده‌ای به انقلاب مصر و بهار عربی اشاره می‌کنند و با توجه به تأثیر شبکه‌های اجتماعی، در این تجربه‌های تاریخی به آن‌ها اسم انقلاب توئیتری و انقلاب فیس‌بوکی می‌دهند؛ اما حتی کسانی که به نقش اینترنت در بهار عربی باور دارند، اعتراف کرده‌اند که اگر فعالان به خیابان نمی‌ریختند، حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مصر، به این زودی‌ها از قدرتش دست نمی‌کشید (Mutsvauro, 2016: 11).

از سوی دیگر، این نوع از فعالیت تعهد سیاسی تمام عیار را بیان نمی‌کند (Mazak & Stetka, 2014: 4). اسلکتیویسم، به دلیل روابط اجتماعی ضعیفی که ایجاد می‌کند، مورد انتقاد قرار گرفته است. این نوع از فعالیت، تمایلی به فرارفتن از اعتراض‌های کم‌خطر

ندارد. همین می‌تواند وضعیتی را ایجاد کند که استفاده از فناوری‌های ارتباطات، توسط فعالان و جنبش‌های اجتماعی، منجر به ایجاد گروه‌های سیاسی موقتی شود که طول عمرشان کم است (Dahlberg-Grundberg, 2016: 10). در این زمینه، مالکوم گلدول در مقاله‌ای برای نیویورکر، (*The New Yorkrt*) با بیان اینکه «با توییت کردن انقلاب نمی‌شود» ابزارهای رسانه‌های دیجیتال را با جنبش‌های حقوق مدنی ۱۹۶۰ مقایسه می‌کند. وی جنبش‌های حقوق مدنی ۱۹۶۰ را دارای ویژگی‌هایی مانند روابط قوی افراد با یکدیگر، فعالیت پرخطر، کنترل سلسله‌مراتبی، داشتن رهبری، ساختار، شخصیت، اتحاد، مدیریت حرفه‌ای و تقسیم کار می‌داند. با وجود این، فعالیت در رسانه‌های اجتماعی عاری از این ویژگی‌هاست و معمولاً با روابط ضعیف و موقتی، تمایل کمتر به خطر کردن، نداشتن سلسله‌مراتب، فاقد رهبری، نداشتن ساختار و عدم تقسیم کار روشن مشخص می‌شود (Gladwell, 2010: 42-49).

افرادی که در کمپین‌های کلیکتیویستی فعالیت می‌کنند، قدرت سیاسی را با "نرخ باز کردن پست الکترونیک" و یا "نرخ کلیک" می‌سنجند. این فعالان، پشت داستان‌های باشکوه کمپین‌های ویروسی پنهان می‌شوند و آمار و ارقامی را بیان می‌کنند که نشان می‌دهند میلیون‌ها نفر در طی بیست و چهار ساعت طومارشان را امضا کرده‌اند، این در حالی است که ۸۰ تا ۹۰ درصد به اصطلاح اعضای جنبش‌های دیجیتال حتی به ندرت پست الکترونیک‌های تبلیغاتی را باز می‌کنند (White, 2010). برخی از محققان برای رفع این مشکل پیشنهاد کرده‌اند، شما باید موفقیت خود را با تعداد افرادی که به تارنما می‌پیوندند و یا مطلبی را تأیید می‌کنند، اندازه‌گیری نکنید، بلکه باید آن را از طریق توانایی تبدیل شدن این مشغولیت‌های غیرفعال به اقدام سیاسی واقعی، اندازه‌گیری کنید (Ricketts, 2012: 200).

سازمان‌هایی وجود دارند، که علیه پشتیبانی نمایشی فعالیت می‌کنند و تلاش می‌کنند رفتار اسلکتیویست‌ها را محدود کنند. برای مثال یونیسف سوئد، کمپین likes don't save lives را راه‌اندازی کرد که به افراد توصیه می‌کرد کمک‌های مالی معنی‌دار، و نه فقط نشان دادن حمایت از یک مسئله برای محافظت از کودکان در کشورهای در حال توسعه، در برابر بیماری لازم است (Kristofferson & et. al., 2014: 1150).

فریمن، یک فعال در مسائل مربوط به فقر و گرسنگی است و به این نکته اشاره می‌کند که هدف یک سازمان مرتبط با این اهداف باید سوق دادن فعالان به سمت تعامل عمیق‌تر باشد؛ این می‌تواند شامل اهدای پول، اختصاص زمان داوطلب و یا هر گونه صدای مؤثر برای دفاع از یک هدف خاص باشد (Foreman, 2018:1995). همچنین در این زمینه، رابرتسون این نکته را مطرح می‌کند که فعالیت نباید یک تجربه منفرد باشد، فعالیت باید پرتلاش، با گفتار و با احساس باشد؛ بنابراین بیاید از رایانه دور شویم، تلفن همراه را کنار بگذاریم و با دنیای واقعی ارتباط برقرار کنیم، تا بتوانیم به حل کردن مشکل‌ها کمک کنیم (Robertson, 2014).

کریستوفرسون و دیگران اسلکتیویسم را پشتیبانی نمایشی می‌دانند و آن را در تقابل با پشتیبانی

معنی‌دار تعریف می‌کنند. در پشتیبانی معنی‌دار، نیاز به تغییر قابل توجهی در هزینه، تلاش و یا حرکت در جهتی است که اثر ملموسی در جنبش اجتماعی بر جای بگذارد. نمونه‌هایی از پشتیبانی معنی‌دار، شامل اهدای پول، زمان و مهارت‌های داوطلبانه هستند. این در حالی است که در پشتیبانی نمایشی، این امکان به افراد داده می‌شود که با تلاش و یا هزینه اجتماعی اندک، حمایت خود را از یک هدف به خودشان و دیگران نشان دهند (Kristofferson et. al., 2014: 1150).

کلمن و بلومر (Stephen Coleman & Jay G. Blumler, 2009) مشکلات کمپین‌های اینترنتی را چنین خلاصه می‌کنند:

- شبکه‌های برخط از سیاست‌های جدا شده‌اند، این بدان معناست که ممکن است آن‌ها نتوانند مقامات را کنترل کنند.
- علاوه بر این، فعالیت‌های برخط گاهی اوقات ناپایدار و زودگذر هستند و این یعنی که آن‌ها هرگز در دستور کار تصمیم‌گیری رسمی قرار نمی‌گیرند.
- سرانجام این فعالیت‌ها، صفاتی مخرب و نهیلیستی دارند که جدی گرفتن آن‌ها را دشوار می‌کند (In Christensen, 2011).

برخی از تحقیق‌های تجربی، ادعاهای اسلکتیویسم را در بسترهای متعدد مشارکت مدنی و جنبش‌های اجتماعی مورد آزمون قرار داده‌اند. شومان و کلین استدلال می‌کنند که شیوه‌های اسلکتیویستی دیجیتال، فقط ممکن است باعث شوند که کاربران احساس خوبی نسبت به خود داشته باشند و مشارکت‌های بعدی را به صورت آفلاین متوقف کنند. آن‌ها این فرض را که شیوه‌های دیجیتالی فعالیت با آستانه پایین، می‌توانند مانع از مشارکت‌های بعدی شوند، در سه آزمایش مورد ارزیابی قرار داده و نشان دادند که اقدام‌های اسلکتیویستی باعث کاهش تمایل به حضور در گردهمایی‌ها و تظاهرات می‌شوند. دلیل تمایل افراد به حضور در اقدام‌های با آستانه پایین مجازی، جلب رضایت گروه است. اعضا، اقدام‌های جمعی برخط با آستانه پایین را، سهمی اساسی در موفقیت گروه می‌دانستند. رفتارهایی که تحت عنوان اسلکتیویسم کوچک شمرده می‌شوند، نیازهایی است که به حس عضویت گروهی افراد مربوط می‌شود (Schumann & Klein, 2015: 308-322).

ویتاک و همکاران، اشکال رایج مشارکت سیاسی را، در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ ایالات متحده بررسی کردند. نتایج نشان دادند که مشارکت سیاسی، به شکل کم‌تحرک فعالیت، که نیاز به منابع کمتری دارند، بیشتر اتفاق می‌افتند، در حالی که، اقدام‌های سیاسی که نیاز به تعهد بیشتری دارند، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. این نشان می‌دهد، اگرچه جوانان ممکن است مشارکت سیاسی داشته باشند، اما میزان مشارکت ممکن است تا حدودی کم‌تأثیر و یا بدون تأثیر باشد. رایج‌ترین اشکال مشارکت عمومی، تمایل به اطلاع‌رسانی و مشاهده بحث در شبکه‌های اجتماعی است، در حالی که، اقدام‌هایی که نیاز به تعهد و منابع بیشتر دارند، مانند فعالیت داوطلبانه، کمتر مشاهده می‌شوند. این تحقیق نشان داد که شهروندان جوان، در حال تبدیل شدن

به اسلکتیویست‌هایی هستند که در اشکالی از فعالیت سیاسی شرکت می‌کنند که به آن‌ها احساس خوبی می‌دهد. همچنین، فعالیت سیاسی در فیس‌بوک پیش‌بینی‌کننده اهمیت سایر اشکال مشارکت سیاسی است. یکی از مزایای فعالیت‌های سیاسی با آستانه پایین، که از طریق فیس‌بوک امکان‌پذیر می‌شود، این است که فرصتی برای تمرین مهارت‌های مدنی با حداقل تعهد و تلاش هستند (Vitak & et. al., 2011: 107-114).

نگاه مثبت به اسلکتیویسم

علی‌رغم این انتقادات، که تأثیر اسلکتیویسم را در رفتار سیاسی آفلاین ناچیز یا منفی می‌شمارد و آن را رد می‌کند، تحقیق‌های تجربی دنبال شواهدی برای تأثیر تعامل بر تعامل آفلاین هستند (Mazak & Stetka, 2015: 5). حامیان اسلکتیویسم بر این باورند که افرادی در این پشتیبانی‌های نمایشی شرکت می‌کنند که شانس بیشتری برای شرکت در اشکال معنادارتر فعالیت را، مانند اهدای پول و وقت، در آینده دارند. افزایش آگاهی از یک حرکت، به خودی خود دلیل ارزشمندی برای پیگیری آن است (Seay, 2014).

لی و هسیه (2013) این مسئله را بررسی کردند که امضا یا عدم امضای یک دادخواست بر خط، چه تأثیری بر گرایش‌های آتی، برای فعالیت در یک مؤسسه خیریه دارد. نتایج مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد شرکت‌کنندگانی که یک دادخواست بر خط را امضا می‌کنند، بیشتر احتمال دارد که به یک مؤسسه خیریه مرتبط کمک کنند. آن‌ها همچنین دریافتند افرادی که این دادخواست را امضا نکرده‌اند، به احتمال زیاد، به یک حرکت نامربوط کمک می‌کنند؛ بنابراین قرار گرفتن در یک فعالیت بر خط بر تصمیم‌شخص در مورد اقدام‌های مدنی بعدی تأثیر می‌گذارد (Lee & Hsien, 2013: 811-820).

جونز (Cat Jones, 2012) هنگام تجزیه و تحلیل اشتراک‌گذاری فیلم‌های اجتماعی، به یافته‌های مشابهی دست یافت. اگرچه اشتراک‌گذاری فیلم، اسلکتیویسم تلقی می‌شود، جونز دریافت که این فعالیت‌ها با افزایش کنشگری مرتبط هستند. جونز به جای اینکه از دوگانه اکتیویسم/اسلکتیویسم استفاده کند، دریافت این مسئله بیشتر وضعیتی را نشان می‌دهد، که این دو بعد با یکدیگر ترکیب می‌شوند.

بروئر و فاروق (Anita Breuer & Bilal Farooq, 2012) با تجزیه و تحلیل کارزار ضد فساد لیمپا نشان دادند، فعالیت‌های تبلیغاتی هدفمند توسط گروه‌های حامی الکترونیکی، این پتانسیل را دارد که مشارکت سیاسی افراد با سطح درگیری سیاسی پایین را افزایش دهد و می‌تواند به تعویض مشارکت از برخط به آفلاین، در بین افرادی که دارای سطح بالایی از علاقه سیاسی هستند کمک کند.

استکا و مازاک به بررسی رابطه بین بیان سیاسی بر خط و مشارکت سیاسی آفلاین، در زمینه انتخابات پارلمانی چک در سال ۲۰۱۳ پرداخته‌اند. آن‌ها در پی پاسخگویی به این سؤال بودند که آیا بین مشارکت سیاسی برخط در فیس‌بوک و مشارکت در اشکال سنتی مشارکت ارتباط وجود

دارد؟ نتایج این پژوهش، رابطه مثبت معنادار بین مشارکت پاسخ‌دهندگان در فیس‌بوک با علاقه سیاسی آن‌ها، جست‌وجوی اطلاعات سیاسی و همچنین مشارکت در اشکال سنتی فعالیت در فضای آفلاین را تأیید می‌کند.

کارپف (2010) با برجسته کردن نقش فعالیت دیجیتال در یک کمپین موفق، سعی دارد ارزش کلیک‌گرایی را نشان دهد و به کلیکتیویسم به عنوان یک عمل سیاسی، مشروعیت بخشد. او مبارزات انتخاباتی پست الکترونیکی (email) را نمونه‌ای از کلیکتیویسم در نظر می‌گیرد و استدلال می‌کند که چنین عملیاتی یک تاکتیک واحد در کارنامه راهبردی گروه‌های طرفدار است؛ از این منظر، کلیکتیویسم یک فرایند مشارکتی است. کارپف نقدهای اسلکتیویستی و بدبینی به کنشگری دیجیتال را با سه ادعا به چالش می‌کشد.

- نخست اینکه پست الکترونیک جمعی از لحاظ کاربردی، معادل ارسال از طریق پست به صورت آفلاین هستند، تفاوت در نوع را نباید با تفاوت در درجه اشتباه گرفت.
- دوم چیزی به عنوان کمپین پست الکترونیک جمعی وجود ندارد. پست‌های الکترونیک جمعی، تنها یک تاکتیک در کمپین‌هایی هستند که برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیرندگان عمومی تلاش می‌کنند. هنگامی که پست الکترونیک جمعی، در بستر انتخاباتی گسترده‌تر قرار می‌گیرد بسیاری از نگرانی‌های اسلکتیویسم تحت شعاع قرار می‌گیرند.
- سوم این نگرانی که شکل‌های برخط فعالیت می‌توانند از تمایل افراد برای شرکت در اشکال عمیق‌تر تعامل و فعالیت بکاهند، با واقعیت تجربی چگونگی استفاده گروه‌های مدافع از این تاکتیک در عمل مطابقت ندارد.

در همین راستا هالوپکا (Max Halupka, 2014) با بیان اینکه کلیکتیویسم، یک شیوه مشارکتی است که تا حد زیادی به حاشیه رانده شده، به ناتوانی ادبیات فعلی، در درک کلیک‌گرایی پرداخته است. به نظر وی، در حال حاضر مفهوم‌سازی پیشرفته از کلیکتیویسم، به مثابه یک عمل سیاسی مشروع، وجود ندارد. هالوپکا برای مفهوم‌سازی از کلیک‌گرایی، هفت بُعد کلیکتیویسم را توسعه داده است. به نظر او این هفت ویژگی یک رویکرد سیستماتیک برای درک کلیک‌گرایی، به عنوان یک عمل سیاسی، ارائه می‌دهند:

۱. مستقر در اینترنت: کلیکتیویسم یک عمل سیاسی است که در یک محیط دیجیتال روی می‌دهد؛
۲. یک ژست تکانشی: کلیک‌گرایی پاسخی تکانشی به یک هدف سیاسی موجود است. در حالی که این عمل ممکن است بعد از مدت زمانی تأمل روی دهد، از نظر نهادی خودجوش است؛
۳. غیر متعهد است: یک بار مصرف است و بعد از اقدام اولیه، نیازی به تعهد بیشتر به کمپین نیست؛
۴. نیازی به دانش تخصصی ندارد: کلیکتیویسم عبارت است از حداقلی از مجموعه مهارت‌های لازم برای مشارکت در یک محیط دیجیتال؛

۵. به راحتی تکرار می‌شود: باید به اندازه کافی ساده باشد که توسط جمعیت زیادی تکثیر شود؛
۶. عملی انجام می‌شود: به صورت فردی انجام می‌شود و مستقل از مبارزات انتخاباتی است که ایدئولوژی وسیع تری دارد و این عمل از آن حمایت می‌کند؛
۷. یک موضوع سیاسی را در بر می‌گیرد.

علی‌رغم نقدهای اسلکتیویستی، که سهم یکسانی برای تمام فعالیت‌های دیجیتال قائل است، نتایج برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که وزن تمام فعالیت‌های مجازی با یکدیگر برابر نیست. بعضی از این فعالیت‌ها متضمن هزینه‌های بیشتری هستند، در حالی که، برخی دیگر به این صورت نیستند. ون لرو و ون آلتست (Peter Van Aelst & Jeroen Van Laer, 2010) یک گونه‌شناسی از فعالیت‌های جدید دیجیتالی ارائه می‌دهند. گونه‌شناسی آنها از فعالیت دیجیتال متشکل از دو بعد مرتبط است. در بعد نخست، بین اقدام‌هایی که اینترنت حمایت می‌کند و اقدام‌های مبتنی بر اینترنت تمایز وجود دارد. بعد دوم، تمایز بین تاکتیک‌های با آستانه پایین و تاکتیک‌های با آستانه بالای فعالیت را نشان می‌دهد.

	حمایت‌شده توسط اینترنت	مبتنی بر اینترنت
با آستانه بالا	اشکال رادیکال‌تر اعتراض تظاهرات فراملی گردهمایی فراملی	هکتیویسم حشو فرهنگی تارنماهای اعتراضی / تارنماهای جایگزین
با آستانه پایین	تظاهرات اعتراضی قانونی رفتار مصرف‌کننده کمک مالی	بمب پست الکترونیک دادخواست برخط

شکل ۱. گونه‌شناسی از فعالیت‌های جدید دیجیتالی (ولن لروون آلتست، ۲۰۱۰: ۱۱۴۹)

ربع یک. اقدام‌های حمایت‌شده توسط اینترنت با آستانه پایین: تقریباً در همهٔ دموکراسی‌های غربی شکل‌های سنتی اقدام‌های جمعی، مانند تظاهرات قانونی کاملاً عادی شده‌اند، زیرا مردم هر روز در آنها مشارکت می‌کنند. این موفقیت می‌تواند مربوط به آستانه پایین آنها باشد، اینترنت این نوع از فعالیت‌ها را آسان‌تر و در دسترس‌تر کرده است. نمونه‌هایی از این فعالیت‌ها شامل کمک مالی، رفتار مصرف‌کننده و تظاهرات اعتراضی قانونی هستند.

- کمک مالی: اهدای پول، راهی برای مشارکت فعال است که شامل هیچ ریسک و تعهدی نمی‌شود. اینترنت برای این نوع از فعالیت فرصت‌های خوبی را مهیا کرده است.
- رفتار مصرف‌کننده: اگر قصد تحریم محصول‌های خاصی را دارید، یا می‌خواهید محصول‌های خاصی را، به دلایل اخلاقی و سیاسی بخرید، اینترنت در این زمینه می‌تواند شما را از گزینه‌های موجود آگاه کند.

- تظاهرات اعتراضی قانونی: سازمان‌های جنبش اجتماعی، که مایل به بسیج گسترده تظاهرکنندگان در خیابان هستند از اینترنت برای هماهنگی و بسیج فعالیت‌ها استفاده می‌کنند. این موضوع به انتشار اطلاعات، در مورد دلایل و اهداف جنبش باز می‌گردد. از طریق اینترنت، سازمان‌ها اطلاعات مفصلی را در مورد زمان، مکان و شاید حتی یک راهنمای عملی برای اطلاع‌رسانی به مردم در مورد جنبش‌ها ارائه می‌دهند.
- **ربع دو.** اقدام‌های حمایت‌شده توسط اینترنت با آستانه بالا: در این ربع، راجع به فعالیت‌هایی صحبت می‌شود که قبل از این رایج بوده‌اند، اما آستانه بسیار بالاتری از نظر قانونی و عملی دارند. این بعد به تظاهرات و جلسه‌های فراملی و اشکال مشکل‌سازتر فعالیت اشاره دارد. از جمله این فعالیت‌ها، می‌توان به تظاهرات فراملی، جلسه‌های فراملی، تحصن و اشکال رادیکال‌تر اعتراضی اشاره کرد.
- تظاهرات فراملی: اینترنت، نه تنها به طور گسترده‌ای بسیج و مشارکت در اعمال سنتی اعتراض، مانند تظاهرات خیابانی، در سطح ملی را آسان‌تر کرده است، بلکه این تظاهرات را به طور مؤثرتر و سریع‌تر از طریق تلاش‌های ارتباطی و بسیج به شخصیتی بین‌المللی تبدیل کرده است. از جمله این تظاهرات فراملی، می‌توان به قیام زاپاتیستا سال ۱۹۹۴، بسیج ضد WTO اواخر سال ۱۹۹۹ در سیاتل و اعتراض به جنگ عراق در تاریخ ۱۵ فوریه ۲۰۰۳ اشاره کرد.
- **گردهمایی فراملی:** مزایای اینترنت، برای گردهمایی فراملی جنبش‌های اجتماعی، به ویژه در مورد جنبش عدالت جهانی به خوبی اثبات شده است. در این گردهمایی‌ها از اینترنت و پست الکترونیک برای تقسیم‌کار، هماهنگی فعالیت‌ها و تبادل اطلاعات استفاده می‌شود.
- **تحصن و اشکال رادیکال‌تر اعتراض:** اینترنت، امکان انتشار سریع پیام‌ها، راجع به زمان و مکان فعالیت‌های غیرقانونی را ایجاد کرده و از این طریق امکان نظارت پلیس کاهش یافته است. همچنین در حین یک رویداد اعتراضی، اینترنت و سایر فناوری‌های ارتباطات به فعالان، اطلاعات مختلفی را در مورد نحوه مواجهه و تعامل با پلیس ارائه می‌دهند.
- **ربع سه.** اقدام‌های مبتنی بر اینترنت با آستانه پایین: در این بخش به کارهایی که صرفاً به صورت برخط انجام می‌شوند و متضمن هزینه کمتری هستند، اشاره شده است که شامل دادخواست برخط (Online petition) و بمب پست الکترونیک (Email bomb) هستند.
- **دادخواست برخط:** دادخواست‌های الکترونیکی برخط، گسترده‌ترین فعالیتی است که در اینترنت استفاده می‌شود. بین دادخواست‌های برخطی که توسط جنبش‌های اجتماعی اجرا می‌شوند و دادخواست‌هایی که در یک سایت‌های تخصصی مانند Moveon.org متمرکز هستند، تمایز وجود دارد. دیگر اقدام‌های در این طیف شامل تغییر عکس نمایه، آپلود عکس و لایک کردن یک صفحه هستند.
- **بمب پست الکترونیک:** یک شکل مخرب‌تر از دادخواست برخط بمب پست الکترونیک است،

که شامل تعداد زیادی پست الکترونیک ارسال شده به حساب یک شخص مهم مانند وزیر و مدیرعامل یک شرکت است. اصطلاح بمب پست الکترونیک برای روانه کردن سیل عظیمی از پست الکترونیک‌ها به سمت یک سرور، جهت مصرف منابع سرور نیز استفاده می‌شود.

ربع چهار. اقدام مبتنی بر اینترنت با آستانه بالا: در بخش آخر، درباره کارهایی صحبت می‌شود که به لطف اینترنت امکان پذیر شده‌اند، اما به منابعی بیشتر از دادخواست برخط و یا ارسال پست الکترونیک نیاز دارند. نمونه‌هایی از آن شامل تارنماهای اعتراضی (Protest websites)، تارنماهای رسانه‌ای جایگزین (Alternative media sites)، حشو فرهنگی (Culture jamming) و هکتیویسم (Culture jamming) هستند.

- تارنماهای اعتراضی: تارنماهای اعتراضی، هدف خاصی را ترویج می‌کنند و پشتیبانی، عمدتاً از طریق تارنما صورت می‌گیرد.
- تارنماهای رسانه‌ای جایگزین: این تارنماها، فضای جدید بین‌المللی برای انتشار دیدگاه‌های جایگزین، درباره مبارزه‌های سیاسی و فرهنگی ایجاد می‌کنند. اینترنت کانال‌های جایگزین را برای تولید رسانه‌ای فراهم می‌کند و از این طریق کانال‌های رسانه‌ای جریان اصلی را دور می‌زند.
- حشو فرهنگی: حشو فرهنگی، به این اشاره دارد که تبلیغات، شرکت را از طریق تاکتیک‌های هنری تغییر می‌دهند.
- هکتیویسم: سرانجام اینترنت، همچنین فضای جدیدی را برای فعالیت‌های خصمانه فراهم می‌کند. اعمال هکتیویسم شامل تقلید تارنما، سرقت اطلاعات، خرابکاری مجازی، ویروس‌ها و کرم‌ها هستند.

نتیجه گیری

از سال ۲۰۰۰، با گسترش وب ۲، بحث‌ها در مورد استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی برای فعالیت‌های اجتماعی افزایش یافته‌اند. در حالی که، معمولاً رسانه‌های اجتماعی به خاطر انتشار آسان و سریع اطلاعات و بسیج شهروندان تحسین شده‌اند، نگرانی‌هایی درباره معنای واقعی پیامدهای این اشکال جدید فعالیت مطرح شده‌اند. در این مطالعه، نقدهایی که تحت عنوان اسلکتیویسم فعالیت دیجیتال وارد کرده‌اند، بررسی شدند؛ سپس نقدهایی را که به این دیدگاه وارد است، مطرح کرده‌ام.

علی‌رغم نقدهایی که تحت عنوان اسلکتیویسم، فعالیت در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را هدف قرار داده‌اند، ضرب نفوذ اینترنت در جامعه معاصر و فراگیری استفاده از آن نشان داده است که دیگر به‌سختی می‌توان جنبشی را یافت که این وسیله ارتباطی در آن سهمی نداشته باشد. بخواهیم یا نخواهیم، کنشگری یا اکتیویسم دچار دگرگونی شده است؛ در حضور اینترنت، اکنون هر نوع کنش جدی سیاسی و اجتماعی یک جنبه برخط پیدا کرده و برای تداوم و بقا و البته گسترش، به این جنبه وابسته است (کیل، ۱۳۹۷). بنابراین نیاز است که سازمان‌های جنبش‌های

اجتماعی و نهادهای فعال، نقش این وسیله ارتباطی را در فعالیت‌هایشان به صورت دقیق مشخص کنند. باید آموزش‌های لازم در زمینه استفاده از اینترنت و رسانه‌های اجتماعی به فعالان داده شود، تا از این طریق آن‌ها بتوانند بهترین و مؤثرترین استفاده را از این وسیله ارتباطی انجام دهند.

یکی از دلایلی که فعالان در فضای مجازی، به اقدام‌های اسلکتیویستی کشیده می‌شوند این است که قسمت زیادی از فعالان اینترنت، شهروندان عادی هستند که به مدد استفاده از اینترنت و رسانه‌های اجتماعی، توانسته‌اند خود را کنشگر مطرح کنند. با توجه به اینکه این افراد، تا پیش از این در بسترهای آفلاین فعالیت حضور نداشته‌اند، آموزش لازم برای استفاده صحیح و مؤثر از وسایل ارتباطی راه، برای ایجاد تغییرات اجتماعی ندیده‌اند؛ به همین دلیل لازم است به آن‌ها مهارت‌های لازم برای استفاده از این وسیله نوین ارتباطی آموزش داده شود. این بدان معناست که به جای نگاه بدبینانه، لازم است تدابیری اندیشیده شود و انرژی و منابع انسانی بیشتری تخصیص یابد تا حرکت‌هایی که در فضای مجازی شکل می‌گیرد، به حرکت‌های پایدار تبدیل شود و منشأ تغییرهای اجتماعی عمیق و مؤثر باشد (همان).

نتایج پژوهش حاضر نشان داده که مرزهای اکتیویسم و اسلکتیویسم، به شدت لرزان هستند و به نظر می‌رسد، اگر به جای دوگانه اکتیویسم/اسلکتیویسم از ترکیب این دو واژه استفاده شود و فعالیت‌هایی که تحت عنوان اسلکتیویسم شناخته می‌شوند، به نحوی برنامه‌ریزی شوند، که بتوانند تأثیری محسوس در جهان واقعی بر جای بگذارند، آن‌گاه به دیدگاه روشن‌تری در این زمینه می‌توان دست یافت. هر وسیله‌ای که فعالان استفاده می‌کنند، چه برخط و چه آفلاین، مزایا و معایب خود را دارد، این بسته به بستری است که این وسیله در آن قرار دارد؛ بنابراین نیاز است که قبل از نقد فعالیت‌های اینترنتی، به عوامل پیش از دیجیتالی که فعالیت را ایجاد و به سمت اسلکتیویسم هدایت می‌کنند، نیز نگاهی داشته باشیم. برای نمونه، بعضی از پژوهشگران این نکته را مطرح می‌کنند که قدمت اسلکتیویسم، به دوره پیش از رسانه‌های اجتماعی برمی‌گردد. پیش از شکل‌گیری این شبکه‌ها نیز، نسل جوان تعهد کمتری نسبت به مشارکت در تغییرهای واقعی اجتماعی نشان می‌داد و درگیر تفکر "همین که هست" بود. واقعیت این است که بی‌میلی به مشارکت سیاسی، بی‌رغبتی به ایجاد تغییر در رفتارهای اجتماعی نامطلوب، یا احساس مسئولیت نکردن در قبال مسائل جامعه، رهاورد اینترنت، شبکه‌های اجتماعی یا اسلکتیویسم نیست، بلکه خصلت نسل جدید است. باید پذیرفت که افراد جامعه به‌ویژه جوانان، روزبه‌روز زمان بیشتری را در فضای مجازی سپری می‌کنند و تحرک‌های سیاسی و اجتماعی آنان دیگر شباهت چندانی به گذشته ندارد (همان).

بررسی و کاوش در فعالیت اینترنتی، نیاز به یک بازنگری جدی در پارادایم‌هایی دارد که با نگاهی سنتی این نوع از فعالیت را ارزیابی می‌کنند، زیرا اینترنت فضایی تازه و کاملاً پیچیده را برای فعالیت ایجاد کرده است، که قضاوت کردن در مورد نقش آن ساده نیست. تحقیقات آینده، به جای موضع گرفتن در مقابل اسلکتیویسم، باید به طور جدی بر توسعه روش‌های نوآورانه و بین‌رشته‌ای برای ارزیابی آن در زندگی سیاسی معاصر متمرکز شوند (Skoric, 2012: 88).

منابع

- کیل، م (۱۳۹۷). اسلکتیویست (انقلاب هشتگ‌ها): قواعد کنشگری سایبری برای اسلکتیویست‌ها. ترجمه سیدعلی موسوی. تهران: نسل روشن.
- گوهری مقدم، ابوزر و محمدصادق دهقانی محمدآبادی. ۱۳۹۰. "تأثیر رسانه های مجازی بر جنبش اشغال وال استریت" فصلنامه رسانه. دوره ۲۲. شماره ۲ - ۱.
- Breuer, A., & Farooq, B. 2012. "Online Political Participation: Slacktivism or Efficiency Increased Activism? Evidence from the Brazilian Ficha Limpa Campaign". paper presented at the 2012 International Communication Association (ICA) annual conference.
- Cammaerts, B. 2015. *Social media and activism*. Oxford, UK: Wiley-Blackwell.
- Christensen, H. S. 2011. "Political activities on the Internet: Slacktivism or political participation by other means?". *First Monday*, 16 (2).
- Christensen, H. S. 2011. *Political Participation Beyond the Vote - How the Institutional Context Shapes Patterns of Political Participation in 18 Western European Democracies*. Turku: Åbo Akademi University Press
- Christensen, H. S. 2012. "Simply slacktivism? Internet participation in Finland". *JeDEM-eJournal of eDemocracy and Open Government*. 4 (1).
- Dahlberg-Grundberg, M. 2016. Digital media and the transnationalization of protests. Umeå: Umeå University, Department of sociology.
- Foreman, A. M. 2018. *Slacktivism: Social Media Activism and Its Effectiveness. Faculty Work Comprehensive List*.
- Gladwell, M. 2010. "Small change". *The New Yorker*, 4(2010).
- Halupka, M. 2014. Clicktivism: A systematic heuristic". *Policy & Internet*, 6 (2).
- Jones, C. 2015. Slacktivism and the social benefits of social video: Sharing a video to 'help' a cause. *First Monday*, 20 (5).
- Joyce, M. (2010). *How to Think About Digital Activism*. New York: international debate education association.
- Karpf, D. 2010. "Online political mobilization from the advocacy group's perspective: Looking beyond clicktivism". *Policy & Internet*, 2 (4).
- Kristofferson, K., White, K., & Peloza, J. 2013. The nature of slacktivism: How the social observability of an initial act of token support affects subsequent prosocial action. *Journal of Consumer Research*, 40 (6).
- Lee, Y. H., & Hsieh, G. 2013. "Does slacktivism hurt activism? The effects of moral balancing and consistency in online activism". In Proceedings of the SIGCHI Conference on Human Factors in Computing Systems.
- Mazák, J., & Štetka, 2015. "Who's afraid of clicktivism? Exploring citizens' use of social media and political participation in the Czech Republic". *Citizen Participation and Political Communication in a Digital World*, 32, 125.
- Morozov, E. 2009. "From slacktivism to activism". *Foreign Policy*, 5.

- Morozov, E. 2009. "The brave new world of slacktivism". Foreign policy, 19(May).
- Mutsvairo, B. 2016. *Dovetailing Desires for Democracy with New ICTs' Potentiality as Platform for Activism*. London: Palgrave Macmillan.
- Ricketts, A. 2012. *The Activists' Handbook: A step-by-step guide to participatory democracy was*. London: Zed Books.
- Robertson, C. 2014. *Slacktivism: The downfall of millennials*. The Huffington Post.
- Rotman, D., Vieweg, S., Yardi, S., Chi, E., Preece, J., Shneiderman, B., Pirolli, P., & Glaisyer, T. 2011. *From slacktivism to activism: participatory culture in the age of social media*. Ext. Abstracts CHI 2011, ACM Press.
- Seay, L. 2014. "Does slacktivism work". *The Washington Post*, 12, 2014.
- Skoric, M. M. 2012. "What is slack about slacktivism". *Methodological and conceptual issues in cyber activism research*. 77.
- Schumann, S., & Klein, O. 2015. "Substitute or stepping stone? Assessing the impact of low-threshold online collective actions on offline participation". *European Journal of Social Psychology*, 45 (3).
- Van Laer, J., & Van Aelst, P. 2010. "internet and social movement action repertoires. Information". *Communication & Society*. 13 (8).
- Vitak, J., Zube, P., Smock, A., Carr, C. T., Ellison, N., & Lampe, C. 2011. "It's complicated: Facebook users' political participation in the 2008 election". *CyberPsychology behavior, and social networking*, 14 (3).
- White, M. 2010. "Clicktivism is ruining leftish activism". *The Guardian*, 12(August).
- Steka, v.& Mazak, J.2014. "Whither slacktivism? political engagement and social media use in the 2013 Czech parliamentary elections." cyberpsychology: *Journal of psychosocial Research on cyerspace*. 8 (3).